



بیانات در جمع پزشکان، پرستاران و کارکنان بیمارستان قلب شهید رجایی - 25 / اردیبهشت / 1370

بسم الله الرحمن الرحيم

از همه‌ی کارکنان عزیز و زحمتکش این بیمارستان خیلی متشکرم؛ مخصوصاً از سرپرست محترم بیمارستان و کادرهای پزشکی و پرستاری و فنی و دیگر دست‌اندرکاران، که این بیمارستان را مرتب و مجهز نگهداشته‌اند. این، بحمدالله آبروی کشور است. این چند روزی هم که من در این‌جا بودم، وضع بیمارستان به‌طور قهری و طبیعی خودش را نشان می‌دهد و همه چیز حکایت از این می‌کند که بحمدالله برای حفظ بیمارستان از لحاظ تجهیزات، از لحاظ آبرومندی وضع عمومی و از لحاظ پزشکی و درمان بیماران، زحمت کشیده می‌شود. من، هم به خاطر خودم و هم بخصوص به خاطر وضع بیمارستان، از شما تشکر می‌کنم.

آرزوی ما این است که بتوانیم امثال این بیمارستان و خود این بیمارستان را چندان توسعه بدهیم که همه‌ی مردم این کشور بتوانند در هنگام نیاز، از امکاناتی نظیر این امکانات استفاده کنند؛ چون بیماری و عوارض جسمی، برای همه کس، مخصوصاً برای قشرهای کم‌درآمد، یک امر طبیعی و قهری است. آن روزی که ما بتوانیم این‌گونه امکانات را برای همه‌ی مردم فراهم کنیم، آن روز برای ما عید است؛ امیدواریم که آن روز برسد.

بحمدالله همین‌جا هم پیشرفت کرده است. من در سال 60، چند هفته‌ی در همین بیمارستان بستری بودم. (1) این چندساله نیز دورادور متوجه و مراقب وضع این‌جا بوده‌ام؛ می‌دانم که زحمات زیادی کشیده شده است. خوشبختانه حالا اداره‌ی بیمارستان وضعیت خوبی دارد؛ هم آقای دکتر ملکی (2) و هم آقای دکتر متکلم (3) و هم پزشکان و پرستاران و مسؤولان گوناگون، زحمت می‌کشند.

یک جمله عرض کنم که این مربوط به همه‌ی کارکنان یک بیمارستان است. آن جمله این است که شغل خدمت به بیماران، یکی از شریفترین شغلهاست. از آن کسی که این راهرو یا آن ملافه‌ها را تمیز می‌کند، تا آن کسی که مشاغل حساس و مهم و دارای تأثیرات بیشتر را عهده‌دار است، به همان اندازه به بیمار کمک می‌کنند. هر کدام از شماها، مخصوصاً پزشکان و پرستاران، به نحوی کمک می‌کنید. کمک به بیمار به هر نحو، یکی از بهترین و شریفترین مشاغل است؛ زیرا دل انسانها را از شما شاد می‌کند. بعضی از مریضهای قلبی جراحی دارند، بعضی جراحی ندارند، بعضی نوبتشان نشده، بعضی در حال انتظارند، بعضی نمی‌دانند چه کسالتی دارند. شاد کردن دل یک انسان محتاج کمک، علاوه بر آن که یکی از صدقات و خدمات است، خدا را هم راضی می‌کند. راضی کردن خدا و خشنود کردن ذات مقدس پروردگار و هر کاری که در آن رضای خداوند باشد، با هیچ چیز مادی قابل اندازه‌گیری و مقایسه نیست. من بیش از این مطلبی عرض نمی‌کنم؛ فقط همین اندازه به یاد می‌آورم که امام راحل عظیم‌الشان ما هم مدتی در همین بیمارستان بستری بودند. این، یک پرونده و سابقه‌ی بسیار باارزشی برای بیمارستان شماست. خیلی متشکر.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

1) به خاطر سوءقصدی که در تاریخ 6/4/1360 به هنگام سخنرانی معظم‌له در مسجد ابوذر تهران انجام گرفت.

2) قائم مقام رئیس بیمارستان قلب شهید رجایی

3) رئیس بیمارستان قلب شهید رجایی